

## درس خارج اصول آیت‌الله اراکی؟ دب؟ «جلسه 49»

### سال تحصیلی 99\_98

دلالت اشاره

تلازم به سه صورت است:

لازم بین به معنای اخص: که با صرف تصور ملزوم، لازم هم متصور می‌شود. که بحث در مفاهیم از این نوع التزام بود و لفظ منطوق، خود به خود معنای مفهومی را می‌رساند.

لازم بین به معنای اعم: آن است که با صرف تصور ملزوم، لازم متصور نمی‌شود بلکه با تصور لازم و ملزوم و نسبت بین آن دو قابل درک است. لازم غیر بین: که درک تلازم نیاز به استدلال دارد.

با توجه به این توضیحات: مراد از دلالت اشاره، دلالت کلام بر لازم غیربین و یا لازم بین به معنای اعم است.

نکته: در مباحث تفسیری گفته‌ایم که تأویل و تفسیر، لازم منطوق است؛ منتها لازم غیربین و هر شخص نمی‌تواند متوجه آن شود. مثل اینکه اگر شخصی برای سر درد نزد پزشک برود، و پزشک سوالاتی از او بپرسد از این قبیل که آیا ورزش کرده‌ای یا خیر؟ چه خورده‌ای؟ و... طبیب از پاسخ‌های او به دردش پی می‌برد؛ اما برای یک شخص عادی این دلالت وجود ندارد که مثلاً روزی دو سیر گوشت می‌خورم، یعنی این مقدار آهن و پروتئین و... در روز مصرف می‌کنم.

مثال دلالت اشاره: در آیه کریمه: **حَوَّالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ**<sup>۱</sup> مدت شیردهی را دو سال تمام ذکر کرده است و در آیه کریمه: **حَمَلُهُ وَفِصَالُهُ**

---

۱. سوره بقره: 233.

ثَلَاثُونَ شَهْرًا<sup>۱</sup> (الأحقاف، 15) مدت حمل و فصال ولد از شیر را مجموعاً 30 ماه بیان فرموده. و هنگامی که این دو آیه را کنار هم بگذاریم، دلالت بر این دارد که اقل مدت حمل 6 ماه است. این لازم غیر بین است و یا بین به معنای اعم است زیرا به حساب و جمع و کم نیاز دارد و با صرف تصور حاصل نمی‌شود. این نوع لزوم، لزوم معنای تصویری است یعنی متکلم چه معنا را اراده کند و چه نکند، خود لفظ یک ملزومی دارد. اما تلازم در دلالت اقتضاء و تنبیه در مقام تصدیق است.

#### دلالت اقتضاء

دلالت لفظ بر لازم صحت و صدق معنا؛ صدق به معنای صدق عقلی و درست بودن معنا. یعنی اگر به مقدار دلالت لفظ اکتفا شود، معنای لفظ درست نمی‌شود مگر اینکه معنای دیگر را اضافه کنیم و این معنای اضافه شده به دلالت اقتضاء فهمیده می‌شود؛ مانند: *حَوْ سَنَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَ الْغَيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَ إِنَّا لَصَادِقُونَ*<sup>۲</sup> که صحت این معنا مقتضی این است که اهل قریه مراد باشد. بحث در اینجا چون در مراد است در معنای تصویری است.

در دلالت اقتضاء، گاهی تلازم عقلی است؛ مانند مثال مذکور. و گاهی تلازم شرعی است؛ مانند اینکه شخصی از امام سوال پرسید که با پوست میته، غلاف می‌سازیم، و این غلاف به لباس ما برخورد می‌کند، برای نماز چه کنیم؟

۱. سوره احقاف: 15.

۲. سوره یوسف: 82.

حضرت فرمود: «اجعل ثوبا للصلاة»<sup>۱</sup> که از این، نجاست ثوب و مانعیت آن برای نماز را می‌فهمیم و این را از تلازم شرعی متوجه می‌شویم.

و گاهی هم تلازم عرفی و عادی است: مانند اینکه گفته شود: «فَتَحَّ الْأَمِيرُ بِلَادَ» امیر که خود نجنگیده؛ بلکه مراد لشکر امیر است که جنگیده و سرزمین را فتح کرده است. یا مانند: «جاء ركب الأمير» که مراد خود امیر هم هست و نه کاروان بدون امیر.

همانطور که گفتیم، در این دلالت در معنای مراد است که این تلازم حاصل می‌شود.

پایان

---

۱. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ الصَّبَّاقِ وَ وَلَدِهِ قَالَ: كَتَبُوا إِلَى الرَّجُلِ؟ ع؟ جَعَلْنَا اللَّهَ فِدَاكَ إِنَّا قَوْمٌ نَعْمَلُ السُّيُوفَ لَيْسَتْ لَنَا مَعِيشَةٌ وَ لَا تِجَارَةٌ غَيْرُهَا وَ نَحْنُ مُضْطَرُّونَ إِلَيْهَا وَ إِنَّمَا عِلَاجُنَا جُلُودُ الْمَيْتَةِ وَ الْبِغَالِ وَ الْحَمِيرِ الْأَهْلِيَّةِ لَا يَجُوزُ فِي أَعْمَالِنَا غَيْرُهَا فَيَحِلُّ لَنَا عَمَلُهَا وَ شِرَاؤُهَا وَ بَيْعُهَا وَ مَسُّهَا بِأَيْدِينَا وَ نِيَابِنَا وَ نَحْنُ نُصَلِّي فِي نِيَابِنَا وَ نَحْنُ مُحْتَاجُونَ إِلَى جَوَابِكَ فِي هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ يَا سَيِّدَنَا لِحُضُورَتِنَا فَكُتِبَ اجْعَلْ ثَوْباً لِلصَّلَاةِ. وسائل الشيعة؛ ج 17؛ ص 173 ح 22281.